

## نقد مقاله «جنگ» در دائرةالمعارف قرآن لایدن و بررسی میزان هم‌آوایی آن با مطالعات معاصران

مریم فرضی قاراب علیا<sup>۱</sup>

عباس همامی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳۹۸، پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۸، صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۲ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

مدخل «جنگ» در *دائرةالمعارف قرآن لایدن* توسط «پاتریشیا کرونه» نگارش شده است. نویسنده به معرفی مشتقات جنگ‌های تاریخی در *قرآن* پرداخته و موضوعاتی چون توجیه جنگ در *قرآن*، شأن اخلاقی جنگ و نیز طرح انگیزه‌های آیاتی چون سیف و جزیه را مورد پژوهش قرار داده است. پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش که آرای کرونه در مدخل جنگ با سایر متون تفسیری چه هم‌آوایی دارد؟ به روش تحلیلی رویکرد این مدخل را بررسی کرده و با مراجعه به متون تفسیری و مبانی عقلی، چالش‌های مدخل را بازشناسی و مورد بررسی هم‌آوایی قرار داده است. کرونه با درکی که از مفهوم ظاهری این دسته از آیات *قرآن* به دست می‌آورد نکاتی نادرست را تقریر می‌کند. پژوهش بدست داده است که بین این مدخل با سایر مقالات لایدن و برخی مستشرقان هم‌سویی معناداری وجود دارد که از آن به «هم‌آوایی» تعبیر شده است. کرونه در برداشت‌های خود از آیات جنگ در *قرآن* شرایط زمان و مکان و همین‌طور سیاق آیات را منظور نکرده و با غفلت از آن‌ها در برداشت خود مسیر غیرقابل‌اعتمادی را طی کرده است. نمادی از هم‌آوایی اشکالات ستیزه‌جویانه بودن و تعارض در آیات جنگ با اندیشه‌های سایر خاورشناسان مشاهده می‌شود که خاستگاه اظهار نظرهای پاتریشیا کرونه است.

کلیدواژه‌ها: *دائرةالمعارف قرآن لایدن*، جنگ، پاتریشیا کرونه، هم‌آوایی.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم *قرآن* و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Mmfarzi90@gmail.com

۲. استاد گروه علوم *قرآن* و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Hemami2030@gmail.com

## درآمد

یکی از جدیدترین تألیفاتی که خاورشناسان غیرمسلمان درباره قرآن و آیات آن در سال‌های اخیر تدوین نموده‌اند، *دائرة المعارف قرآن* لایدن به سرویراستاری «جیم دمن مک اولیف» بوده که از سال ۲۰۰۰ میلادی تا کنون، پنج جلد آن انتشار یافته است. نویسندگان این مجموعه، دیدگاه‌های متفاوتی درباره موضوعات قرآنی مطرح کرده‌اند که از میان دیدگاه‌های مطرح، طرح چالش‌ها و نظریات آنان درباره انبیاء و شاخصه‌های مرتبط با ایشان یکی از آن مدخل‌ها مورد پژوهش مقالة پیش‌رو است دارای اهمیت است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که برخی نقلیات از زندگانی تاریخی انبیای الهی و به ویژه پیامبر اکرم (ص) که دستاویز شرق‌شناسانی در لایدن قرار گرفته توسط راویان ضعیف ارزیابی می‌شود. این گروه در مطالعات خویش بر مبنای عدم وحیانی و الهی بودن مصدر قرآن در بسیاری از موارد با استناد به منابع ناکافی به جستجوی موارد ضعیف پرداخته‌اند.

نویسندگان *دائرة المعارف قرآن* لایدن در موضوعات و مباحث مربوط به پیامبران، ابتدا با استناد به آیات قرآن، به بررسی و مفهوم‌شناسی واژگان آیات، تبیین اهداف انبیاء و پس از آن، نتیجه‌گیری نهایی پرداخته‌اند و پس از استناد به آیات قرآن، به منابع تفسیری و تاریخی مراجعه کرده و در ادامه - در بیشتر موارد - نتیجه‌گیری خود را بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی و گاهی نیز هم‌آوا با دیدگاه‌های اهل سنت بنا نهاده‌اند.

## طرح مسئله

شناخت دیدگاه‌های خاورشناسان در مجموعه‌های *دائرة المعارف* و از جمله *دائرة المعارف قرآن* لایدن ضروری است؛ چه اینکه در پس نگارش مقالات متعدد، چالش‌هایی پیرامون معارف قرآنی مشاهده می‌شود. مفاهیم جنگ و جهاد و مشتقات آن در قرآن از موضوعات مورد توجه نویسندگان در لایدن بوده که در موارد بی‌شماری تنها جنگ را با واژه‌هایی مانند حرب و قتال و ویژگی‌های آن تقریر و معرفی کرده‌اند.

تاکنون تلاش‌های فراوانی از سوی اندیشمندان، در نقد و بررسی و در مواردی نیز تعیین سطح و یا میزان هم‌آوایی مقالات لایدن و سایر *دائرة المعارف*‌های اسلامی با منابع اهل سنت صورت گرفته و بیشتر نیز در موضوعاتی چون نبوت عامه و خاصه بوده است اما با این حال، در خصوص

موضوع پیش‌رو در مقاله حاضر به طور خاص هیچ پژوهشی تا کنون صورت نگرفته است افزون بر این، هرچند که پژوهش‌های پراکنده‌ای در نقد مقالات مرتبط با جهاد از سوی پیامبران الهی در لایدن نوشته شده است و از آن جمله می‌توان به دو مقاله نقد و بررسی مدخل جهاد از *دائرةالمعارف قرآن لایدن* و نیز نقد دیدگاه‌های مستشرقان درباره جنگ‌های پیامبر اشاره کرد اما همچنان جای پژوهش‌های وسیع‌تر و جزئی‌تر در خصوص بررسی عموم مقالات لایدن و نقد آن‌ها با معیارهای متقن و مدنظر فرقه‌های اسلامی لازم و بایسته می‌نماید. پرسش‌های پیش‌روی این مقاله یکی آن است که نویسنده مدخل، دیدگاه قرآن را چگونه در خصوص آیات جنگ و مراحل نزول آن آیات تبیین کرده و بازتاب داده است؟ دیگر آن که میزان هم‌آوایی مدخل جنگ با منابع اسلامی و لاتین و تأثیرپذیری از آنان تا چه میزان بوده است؟ و در نهایت اینکه نویسنده مدخل، بیشترین رویکرد و هم‌جهتی خود را بر چه مقالات و منابعی در لایدن و بر چه اهدافی متمرکز کرده است؟

### ۱. سوگیری کلی مدخل «جنگ»

مدخل جنگ به مثابه یکی از گزارش‌های تاریخی قرآن کریم، از مجموعه مقالات نوشته‌شده در *دائرةالمعارف قرآن لایدن* به نویسندگی «پاتریشیا کرونه»<sup>۱</sup> بوده است. با بررسی در مداخل لایدن به دست می‌آید که یکی از مهم‌ترین مداخلی است که به طرح موضوعات مرتبط با تاریخ جنگ و جهاد در صدد تفسیر و تحلیل آیاتی از قرآن برآمده است.

### الف) توصیف محتوای مقاله

مؤلف با مراجعه به آیات قرآن و برداشت کلی که به مجموعه دیدگاه‌های مفسران داشته، به طرح و تبیین نظریات خود برآمده است. برخی مداخل در لایدن بیشترین میزان هماهنگی و شباهت را با مقاله پیش‌رو داشته‌اند و به طرح شباهت و مواردی از جنبه‌های مدیریت در رهبری پیامبران الهی - خاصه پیامبر اکرم (ص) - در موضوع مربوط به جنگ و جهاد پرداخته‌اند؛ اما در عین حال مدخل جنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین این مقالات برشمرده می‌شود و پاسخ به ابهامات موجود در آن می‌تواند به حل و تبیین چالش‌های موجود در سایر مقالات مشابه نیز بپردازد.

برخی از عمده‌ترین مقالات مشابه با مدخل پیش‌رو در لایدن به قرار زیر است: مدخل «جهاد» نوشته‌ی الالاندو تاسرون (ترجمه‌ی دائرةالمعارف لایدن، ۲ / ۳۸۷-۳۹۴)، مدخل «جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها» نوشته‌ی رضوی فیزر (ترجمه‌ی لایدن، ۲ / ۳۷۳-۳۸۱)، مدخل «پیروزی» نوشته‌ی موتیو گوردون (ترجمه‌ی لایدن، ۳ / ۳۴)، مدخل «شاهان و فرمانروایان» نوشته‌ی لوتیز مارلو (ترجمه‌ی لایدن، ۳ / ۴۸۲-۴۸۷)، مدخل «سلطه» نوشته‌ی وداد قاضی (ترجمه‌ی لایدن، ۳ / ۳۶۵-۳۶۶)، مدخل «رسول» نوشته‌ی ماتیاس ستانیزر (ترجمه‌ی لایدن، ۳ / ۱۲۸-۱۳۰).

نویسنده‌ی مقاله‌ی جنگ مراجعه‌ی قابل قبول و مناسبی به آیات مربوط به جنگ‌های تاریخی پیامبراکرم (ص) داشته است. این موضوع نشان دهنده‌ی اطلاعات جامع وی به مسأله‌ی جنگ در قرآن و تسلط وی بر آیات مرتبط با جنگ و جهاد در قرآن است. ایشان در بررسی آیات مرتبط با جنگ، ضمن استخراج کلیه آیات مربوط به مسأله و بررسی تحلیلی آن‌ها به نکاتی مانند شأن اخلاقی جنگ در قرآن، رعایت حرمت ماه‌های حرام، عدم ناامیدی مؤمنان در درگیری‌ها و جنگ‌های پیش آمده از جانب دشمنان و توکل آنان بر خداوند، تحقیق کرده و اشارات محققانه‌ای داشته است (ر.ک ترجمه‌ی لایدن، ۱۳۹۳ش، ۲ / ۳۶۶-۳۷۱).

بالین حال، متن و نوشتار مدخل جنگ حاکی از آن است که کرونه درباره‌ی نحوه‌ی مدیریت و رهبری پیامبراکرم (ص) و اساساً آموزه‌های مرتبط با جهاد و جنگ‌های تاریخی ایشان در قرآن، پیش‌فرضی ذهنی دارد؛ اگرچه، ایشان مراجعه‌ی قابل قبولی در استناد به آیات مرتبط در قرآن دارد اما در نهایت در بیشتر مواضع و نتایج، پیش‌انگاره‌های ذهنی خود مبنی بر وجود نوعی تعامل خشونت‌آمیز با معاندان و کافران از سوی مفاهیم آیات قرآن را نتیجه‌گیری می‌کند؛ این شیوه‌ی نگارش مقاله از جانب نویسنده‌ی آن، سرانجام ایشان را در مسیر اتخاذ نتایج نهایی درباره‌ی آیات مربوط به جنگ دچار سردرگمی و تناقض‌گویی کرده است (نک: همان).

### ب) رویکرد نویسنده به واژگان مرتبط با جنگ در قرآن

کرونه جنگ را تعریفی اصطلاحی و در کنار آن آمیخته با معانی برخی واژگان به درگیری مسلحانه، علنی و اغلب طولانی مدت بین حکومت‌ها و یا قبیله‌هایی می‌داند که بارها در قرآن ذکر

۱. از این پس در متن مقاله به جای عبارت «ترجمه‌ی دائرةالمعارف قرآن لایدن» به اختصار به عبارت «ترجمه‌ی لایدن» اکتفا می‌شود.

شده است. ایشان، مشتقات «قتال»، «حرب» و «جهاد» را در قرآن، عموماً به یک معنا اطلاق می‌کند و پس از نقل و طرح آیاتی که در آن‌ها، عبارات جهاد، قتل و حرب با مشتقات مرتبط به کار رفته نتیجه‌گیری می‌کند که مشتقات ج ه د برای تلاش‌هایی به کار می‌رود که شامل قتال است، ولی به آن محدود نمی‌شود (ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۶). وی حرب را به معنای جنگ علیه خدا و رسول خدا گرفته که در کنار یا به نفع آن‌ها به کار رفته است. ایشان برای مستند کردن این برداشت خود به آیاتی مانند آیه ۳۳ مائده، و ۱۰۷ توبه ارجاع می‌دهد (همان‌جا). این در حالی است که با توجه به آن که مفهوم‌شناسی هریک از واژگان و کلماتی که تداعی کننده معنای جنگ و جهاد تاریخی در قرآن هستند در این زمینه دارای اهمیت است از این رو لازم است تا با رجوع به کتب و منابع اصیل لغوی در بررسی واژگان مرتبط با جنگ و جهاد هم در جایگاه شرح‌الاسم و شرح‌اللفظ به بررسی این کلمات پرداخت.

به این منظور، مناسب‌تر است به سراغ منابع معتبر لغویون که به طور حتم به عصر استفاده از آن واژگان نزدیک‌تر اند مراجعه شود. براساس گزارش‌های منابع معتبر لغوی، واژه جهاد به همراه مشتقات خود ۴۱ مرتبه در قرآن آمده است و از این تعداد در ۳۷ موضوع به ابعاد مختلف جهاد اشاره می‌شود (نک: عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ۱/ ۱۸۲). بیشتر لغت‌شناسان، جهاد را به معنای به کار بستن تمام توان و نیرو آورده‌اند (برای نمونه نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۰۸؛ ابن منظور ۱۴۱۴ ق، ۳/ ۱۳۳؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ ق، ۲/ ۲۲) و نیز جهاد را در مفهوم محاربه با دشمنان می‌دانند که به معنای به کار بردن نهایت تلاش قول عملی و گفتاری است (ابن منظور، ۳/ ۱۳۳) و برای جهاد سه وجه قائل شده‌اند: جهاد بالقول، جهاد بالسلح، و جهاد بالعمل (نک: حبیب تفسیری، ۱۳۹۶ق، ۵۵۸).

بنابراین، نویسنده مدخل جنگ در بررسی واژه جهاد، مشتقات ج ه د را با تلاش‌هایی محدود می‌کند که درباره قتال به کار می‌روند؛ حال آن که به آن محدود نمی‌شوند. از این رو ملاحظه می‌شود که ایشان به صراحت مشخص نمی‌کند که آیاتی که واژگان جهاد در آن‌ها در معنای قتال به کار رفته‌اند کدام آیات بوده‌اند و یا نیز آسانی که واژگان ج ه د در آن‌ها به معنای جنگ و قتال نیستند شامل کدام دسته از آیات قرآن اند. وی تا پایان مقاله خود نیز، کلماتی که از واژه جهاد، در معنای جنگ به کار می‌رود را مورد بررسی قرار نمی‌دهد (نک: ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۷-۳۶۸). همین موجب شده است کرونه به شرح شایسته‌ای از لغات و به دنبال آن توصیف و تحلیل مناسبی

در خصوص موضوع، ماهیت و ابعاد جنگ در قرآن دست نیابد.

علاوه بر معانی مطرح شده از سوی لغت‌شناسان برای واژه جهاد، مفسران نیز تفسیرهای خاصی را بر اساس کاربردهای قرآنی آیات مربوط به جنگ و جهاد مطرح کرده‌اند؛ به عنوان نمونه برخی جهاد را بذل مال و ایثار جان و آنچه که متوقف بر آن است تلقی می‌کنند؛ خواه از بذل مال در جنگ با مشرکان یا اهل بغی با روش مخصوص باشد یا بذل مال و توان و طاقت برای برتری کلمه اسلام و تحقق شعائر ایمان صورت بگیرد. (صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ۳/۲۱؛ مقداد سیوری، ۱۳۹۱ش، ۱/۴۸۵)؛ در قرآن نیز برای مقابله با دشمنان گاهی از کلمه جهاد و گاهی از قتال استفاده شده است. همچنین واژه جهاد در قرآن در معنای لغوی آن به معنای نهایت کوشش و دو بار به معنای فقهی اصطلاحی آن نیز آمده است (نک: فرقان/۵۳).

در حوزه معنایی جهاد در کارکردهای قرآنی، رویارویی مقدس مسلمانان برای دفاع از آزادی و استقلال امت اسلامی است، در بیش از سیصد آیه از آیات قرآن کریم، احکام مرتبط با جهاد و دیگر امور مربوط به جنگ وارد شده است و در حدود هشتاد آیه از آیات قرآن کریم، خداوند، مؤمنان جامعه اسلامی را به جهاد با دشمن در صورت تعرض آنان دعوت کرده است (نک: خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ۱/۸۶۵). افزون بر این موارد، مفهوم محوری جهاد در کارکردهای وحیانی و هم‌نشینی با کلمات دیگر قرآنی به طور قطع از بار معنایی خاصی برخوردار خواهد شد، تا جایی که این کلمه با واژگان بسیاری در قرآن، به گونه‌های مختلف ارتباط معنایی داشته و حوزه‌های مختلفی را تشکیل می‌دهد.

می‌توان گفت پربسامدترین کلمات جانشین «جهاد مسلحانه با کفار» از بین کلمات جانشین «قتل»، «غزو»، «ضرب»، «حرب» و «سفک الدما»، کلمه «قتال» و مشتقات آن است و این واژه از ریشه «قتل» است که در واقع به معنای زایل کردن روح از بدن تعبیر می‌شود ولی کاربرد آن به اعتبار عملی است که فرد انجام می‌دهد (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ۵/۱۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳/۱۳۰ و مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۹/۹۳). ملاحظه می‌شود که کرونه نگاه جامع و فراگیر قرآن به کلیدواژه جهاد را مورد توجه کافی قرار نداده و آن را در معنای قتال محدودسازی کرده است که به مثابه یکی از ضعف‌های مدخل جنگ است.

### پ) ترسیم چهره‌ای جنگ‌طلب از پیامبر اکرم (ص)

نویسنده، پس از اشاره به کیفیت فتح سرزمین مقدس توسط بنی اسرائیل، به این نکته اشاره

می‌کند که قرآن، بسیار اندک به جنگ‌های اقوام گذشته اشاره می‌کند و یا اینکه مثلاً اقوام گذشته، با گدازه، آتش و بلایای طبیعی نابود شده‌اند. وی در ادامه، اظهار می‌کند که رسول خدا امیدوار است که مخالفانش را با ابزار نظامی به مجازات برساند (ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۶)؛ و استنتاج خود را به آیات ۱۴ و ۵۲ سوره توبه مستند می‌کند (همان، ۳۶۶-۳۶۷)؛ لیکن بدون پرداختن به مفهوم و تفسیر این آیات و نیز بدون توجه به سیاق و شأن نزول آن‌ها، از کنار آن‌ها گذشته است.

این در حالی است که در هیچ یک از آیات مورد استناد، امیدواری پیامبر اکرم (ص) از نابودی مخالفانش با ابزار نظامی استنباط نمی‌شود. بنابراین ادعای صریح و نتیجه‌گیری بدون تحلیل و بدون در نظر گرفتن شرایط نزول و سیاق آیات و ارائه دلایل قرآنی و تاریخی مستند، حاکی از آن است که نویسنده پیش‌انگاره‌های ذهنی خود در مورد پیامبر اکرم را به عنوان استنتاج نهایی از آیات منظور کرده است که به منزله ضعف این مدخل به شمار می‌آید. قرآن کریم در آیه ۱۴ سوره توبه می‌فرماید: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمْ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْرِجُهُمْ مِنْ صُدُورِهِمْ وَيُصْرِكُمْ عَلَيْهِمْ وَيُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ».

عموم مفسران تأکید کرده‌اند که تحریک و تشویق مؤمنین به جنگ و درگیری با مشرکان و منافقان در آیه به دنبال توطئه‌چینی‌های بی‌شماری بوده است که پیشتر بر مؤمنان روا داشته‌اند؛ از این‌رو خداوند با تشویق مؤمنان بر امتثال فرمان الهی، تأکید می‌کند که کشتار مشرکین به دست مؤمنین، عذاب خداست و در واقع مؤمنین، ایادی خداوند سبحان هستند و نیز تذکر این نکته که مشرکین به خواری خواهند رسید و پروردگار، ایادی خود را به نصرتی عظیم خواهد رساند (نک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۵/ ۴۱۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۵/ ۲۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ۹/ ۱۶۰-۱۶۱؛ صادقی، ۱۳۶۵ش، ۱۲/ ۳۶۲).

برخی مفسران گفته‌اند که آیه به دنبال تعدی گروهی از بت‌پرستان به مؤمنان طایفه «بنی خزاعه» نازل شده است که ناجوانمردانه بر سر مسلمانان ریختند و پس از غافلگیری مؤمنین، به شکنجه و آزار آنان پرداختند، یا آن که به گروهی از مسلمانان اشاره دارد که پس از پذیرش اسلام و سکنی گزیدن در اطراف مکه، به دنبال آزار شدید و شکنجه‌های مشرکان قریش واقع شدند (مکارم، ۱۳۷۴ش، ۷/ ۳۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۹-۲۱؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ۵/ ۱۸۴-۱۸۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱/ ۶۴).

از این رو، در کنار توجه به شأن نزول آیه در کلام مفسران، دل‌های گروهی از مؤمنین که تحت فشار و آزار سنگین گروهی سنگدل از مشرکان قرار گرفته بودند و در این راه صدمات زیادی را متحمل شده بودند شفا می‌یافت و بر زخم‌های قلب آنان از این طریق مرهم نهاده می‌شد (و یَشْفِ صَدُورَ قَوْمِ الْمُؤْمِنِينَ. توبه/ ۱۴) و در خصوص آیه ۵۲ سوره توبه که می‌فرماید: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا أَحَدَى الْحُسَيْنِيِّ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ...».

آنچه به یقین درک می‌شود آن است که خداوند با تأکید بر اهریمن ستیزی و مبارزه با ظالمان و منافقان، دستیابی آنان به شهادت و یا درهم‌شکستن منافقان را - در هر دو صورت - پیروزی و رسیدن به یکی از دو نیکویی و نعمت بر می‌شمارد؛ در واقع مفهوم آیه آن است که مؤمنان با خطاب قرار دادن منافقان و مشرکان که عزم بر نابودی مؤمنان و باطل ساختن دین خدا داشته‌اند به آنان خواهد گفت که آنچنان که شما انتظار هلاکت ما و دین خدا را - با آزار و شکنجه و ستم بر ما - می‌کشید ما هم در انتظار هلاکت شما به سر می‌بریم و در انتظار وعده‌های خدا در پیروزی دین خدا و نصرت پیامبر (ص) خواهیم بود (نک: طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۱/ ۱۱۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۳/ ۲۴۹).

بنابراین، بر خلاف آنچه گروه تقریر کرده است از این دو آیه مفهومی که وی استنباط کرده دریافت نمی‌شود؛ ضمن آن که تأکید قرآن بر جنگ به عنوان نهایت روش رویارویی و مبارزه با ظالمانی بوده است که همواره قصد آزار و تعدی بر مؤمنین و پیامبر اکرم (ص) به قصد ریشه کنی دین خدا را داشته‌اند و به این دلیل بوده که خداوند، مؤمنان را تحریک به جنگ با آنان نموده است.

## ۲. رویکرد کلی نویسنده به جایگاه جنگ در قرآن

انتخاب گروه از آیات ۱۴ و ۵۲ سوره توبه و تصور ایشان نسبت به مفهوم این آیات، به جهت ارتباط و شباهت محتوایی بین این آیات است، و آنچنان که گروه به آن اشاره می‌کند این دو آیه هم‌نشینی مفهومی با یکدیگر دارند، وی با انتخاب مشترک این دو آیه می‌نویسد: «قرآن به ندرت به جنگ‌های دوران گذشته اشاره می‌کند اقوام پیشین با گدازه، آتش و بلایای طبیعی دیگر نبود شده‌اند نه با فتح، اگرچه رسول خدا امیدوار است که مخالفانش را با ابزار نظامی به مجازات برساند...» (ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۷). اما آنچه مسلم است گروه دلایل تاریخی و قرآنی



خود را در ادامه سخنان و برداشت خود مطرح نمی‌کند؛ از این‌رو نگرش و تحلیل ایشان در این بخش به علاقه احتمالی پیامبر (ص) به استفاده از ابزار نظامی در جنگ با مخالفان برداشت شده و در مقاله، انعکاس یافته است.

### الف) باور نویسنده به ابهام تعریف جنگ

نویسنده با ارائه گزارشی از اقدام بنی‌اسرائیل و ماجرای طالوت در قرآن تأکید می‌کند که از نگاه خداوند، چه بسا که گروهی اندک بر گروهی بسیار به اذن خداوند پیروز شده‌اند. ایشان در ادامه به آیات ۲۱ تا ۲۶ سوره مائده نیز اشاره و استناد می‌کند؛ لکن در موضعی دیگر، ضمن مقایسه آیات مربوط به عملکرد بنی‌اسرائیل در قرآن با نمونه‌های مشابه آن در عهدین (اعداد: ۱۳: ۳۱، ۱۴: ۳۴) تلاش می‌کند تا به برخی از اشارات قرآن در زمینه شرح وقایع و جنگ‌های این قوم پرداخته و نتیجه‌گیری کند که قرآن، در جهت تشویق به جنگ و مبارزه با مخالفان، اشاره مبهم و نامعلومی به هزاران نفری از بنی‌اسرائیل که از خانه‌های خود خارج شده‌اند نکرده است و به آنان گفته است که تن به مرگ بسپارید؛ پس مردند و آنگاه دوباره زنده‌شان کرد (بقره/ ۲۴۳ به بعد).

در جای دیگری از قرآن (آل عمران/ ۱۴۶) آمده است که بسیاری از پیامبران همراه با لشگریانی انبوه کارزار کرده‌اند و در برابر سختی‌ها ناامید نمی‌شده‌اند (نک: ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۶). وی پس از برشمردن برخی آیات مانند نساء/ ۸۴؛ توبه/ ۱۲۳؛ نساء/ ۷۶ اعلام می‌کند که در بیشتر مواضع در قرآن، مؤمنان به جنگ با دیگران ترغیب و تشویق می‌شوند (همان‌جا). کرونه در ادامه و با انتقاد از این کتاب آسمانی، بعد از ذکر آیاتی که در آن‌ها اسامی منافقان، امامان کفر و شیاطین آمده است چنین تقریر می‌کند که قرآن، شباهت‌ها و تفاوت‌های این افراد و گروه‌ها را مشخص نکرده است و از سویی دیگر نیز ایشان، بر این موضوع و تکرار آن متمرکز می‌شود تا اهداف همه جنگ‌ها از نظرگاه قرآن در راستای تحقق و حاکمیت اهداف و انگیزه‌های دینی و اعتقادی بوده است، بنابراین تقریر این مسأله که اهداف مشترک نبردها در طول تاریخ و نیز صدر اسلام، به منظور تثبیت دین الهی، آن هم از طریق جنگ بوده است از سوی نویسنده در مدخل موضوعیت می‌یابد؛ وی در پایان نتیجه می‌گیرد که همه جنگ‌ها در قرآن متضمن مسائل دینی و برتری جویی اعتقادی‌اند (همان، ۳۶۷).

### ب) حصر آیات جهاد به جهاد با کفار محارب

در بررسی این رویکرد نویسنده ملاحظه می‌شود که قرآن کریم در آیات متعددی دستور جنگیدن با کفار را محدود به کسانی کرده است که به هر روی سر جنگ با مسلمانان دارند؛ و نه تنها هدف پیامبر اکرم (ص) از جهاد با دشمنان تحقق یافتن دین الهی به هر طریق ممکن نبوده است بلکه جنگ در منطق دین، برای انتقام‌جویی یا به دست آوردن غنایم نبوده است. در منطق قرآن همه این موارد محکوم تلقی می‌شود و سلاح به دست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در جهت رضایت خدا و ریشه کن ساختن ظلم و فساد باشد (نسا/ ۹۰، بقره/ ۱۹۰ و نیز رک: طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ۲/ ۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱/ ۱۲۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۴/ ۲۱۳).

همچنین، براساس منطق و شیوه راه قرآن، خداوند از رسول خود می‌خواهد تا با اقامه ادله و براهین، وعظ و اندرز و مناظره و گفتگو به شیوه‌های نیکو، مردم را به راه خدا و طریق هدایت و دینداری دعوت کند (نحل/ ۱۲۵ و نیز رک: عنکبوت/ ۴۶)؛ ضمن آن که قرآن به هم‌زیستی مسالمت آمیز با کافران غیرمزامح توصیه می‌کند؛ هرچند این توصیه به معنای تأیید و صحه گذاشتن بر عقاید و باورهای باطل آنان نیست بلکه مسلمانان با نهادینه کردن آموزه‌های دینی باید به دنبال اجرای برنامه‌های تربیتی هدفمند و مستمر در جهت هدایت و دعوت غیر مسلمانان به دین الهی کوشا باشد (توبه/ ۲۹، ۳۳، آل عمران/ ۱۱۰، بقره/ ۱۴۳، حج/ ۷۸).

از این جهت است که مشاهده می‌شود برخی فقیهان حکمت تشریح پیمان ذمه را ایجاد زمینه مناسب برای هدایت و اسلام اهل ذمه می‌دانند و تأکید می‌کنند که قبول جزیه از اهل کتاب نه به خاطر رغبت یا طمع در آن چیزی است که از ایشان گرفته می‌شود بلکه هدف زمینه‌سازی برای دعوت ایشان به اسلام است به این شکل که با مسلمانان درآمیزند در خوبی‌ها و مناسک و شرایع دینی تفکر و تعقل کنند و مشاهده کنند که دین الهی بر پایه عقلانیت و خردورزی بنا نهاده شده است و همین ایشان را به اسلام بر پایه عقلانیت و خردورزی مایل و علاقمند سازد» (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲/ ۵؛ کاشانی، ۱۴۰۹ق، ۷/ ۱۱۱؛ نیز نک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۳/ ۷۳).

از این رو، کرونه مانند تعدادی دیگر از خاورشناسان از یک سو بر خلاف واقعیت‌های تاریخی و بدون در نظر آوردن تمامی مستندات قرآنی بیشتر جنگ‌های صدر اسلام را هجومی و یا به منظور تحقق و تثبیت بی‌چون و چرای دین اسلام فقط با رویکرد جنگ طلبانه با کفار و مخالفان گرفته و درصدد توجیه اهداف و انگیزه مسلمانان از این جنگ‌ها بر آمده است. در بخش دیگری

ازمدخل جنگ، با بررسی وقایع مرتبط با بنی اسرائیل در قرآن درصدد بر می آید تا از شرح وقایع مربوطه در آیات مختلف، مبهم بودن و متناقض بودن این آیات را نتیجه گیری کند (نک: ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۷-۳۶۸).

در حالی که در این بخش نیز، دلایل و مستندات دیگری جز ترجمه ظاهری آیات قرآن و القای شبهه برتر بودن جنگ‌های توصیف شده بنی اسرائیل در قرآن و کتاب مقدس از جانب نویسندگان، مشاهده و مطرح نمی‌شود (همانجا). از این رو برداشت محققان حاکی از این است که در قرآن، ماجرای بنی اسرائیل به منظور تأکید و اتمام حجت در سور متعددی آمده است و این نحوه طرح مسأله نه تنها بر ابهام و پراکندگی حکایت ندارند بلکه بر نوعی هماهنگی و بیان هوشمندانه در راستای اهدافی معین از طرح قصص بنی اسرائیل استوارند؛ در همین راستا، صاحب مجمع البیان، به علت تکرار عبارت «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمتُ علیکم و انّی فضّلتکم علی العالمین».

وی آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره را به صورت یکسان و واحد بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در آن‌ها فاصله بین دو عبارت قرآنی زیاد است و به دلیل اجتناب از فراموشی و ابهام، یادآوری به منظور تأکید و ابلاغ در اتمام حجت تکرار شده است. هم‌چنین، خداوند به منظور فراخوان مکرر بنی اسرائیل و یادآوری این قوم به شکرگزاری و سر نهادن به فرامین الهی، نعمت‌های خود را یادآوری می‌کند تا بدانند که خداوند از هیچ نعمتی دریغ نکرده و شکر نعمت را بجای آورند (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۶۷۹؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۲/ ۱۹۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱/ ۳۹۲).

به علاوه، این نکته را نیز باید افزود که قرآن سخن از تورات به میان می‌آورد و در تورات، مژده به پیامبری عیسی (ع) و نبوت محمد (ص) و بشارت به بعثت آن‌ها داده شده است، از این رو خداوند، بنی اسرائیل را نسبت به نعمت‌هایی که به آنان ارزانی داشته و امتیازات فراوانی که به طور خاص برایشان قائل شده است بیان و تأکید نموده است (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۲/ ۲۲).

ملاحظه می‌شود که در واقع، فایده طرح متعدد آیات مربوط به بنی اسرائیل، هشدار، یادآوری و اتمام حجت بر بنی اسرائیل و اهل کتاب و سایر بندگان بوده است. روشن است که کرونه به این دلیل آیات مربوط به شرح وقایع و جنگ‌های بنی اسرائیل در قرآن را دارای ابهام تقریر می‌کند که متن آسمانی قرآن را با معیارهای نظم و ترتیب مطالب که مورد نظر و قضاوت دست نوشته‌های

بشری، به سراغ آموزه‌های قرآنی و آیات آن رفته و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داده است (نک: فقهی زاده، ۱۳۷۴ش، ۱۵۳).

### پ) ستیزه‌جویانه دانستن آیات سیف و جزیه

کرونه، با استناد و ارجاع به برخی آیات تاریخی قرآن مانند توبه/ ۳۶؛ بقره/ ۱۹۴؛ شوری/ ۳۹، ۴۲ و نساء/ ۷۵ قاعده اصلی جنگ با کفار و مشرکان را از دیدگاه قرآن با طرز برخورد آنان مشروع معرفی می‌کند و در ظاهر، این نگرش و برخورد قرآن را نوعی از تنبیه خطاکاران در مقابل مؤمنین قلمداد می‌کند. وی در ادامه، با اشاره به آیه سیف: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَالْقَعْدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ...» (توبه/ ۵) مضمون آیه را در راستای اصول و اهداف قرآن می‌داند و تأکید می‌کند که آیه معروف به شمشیر می‌گوید مشرکان را هرکجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید بر همین قاعده استوار است، با این فرض که فرمانی است علیه گروه خاصی که به پیمان شکنی و تعدی متهم شده‌اند (توبه/ ۱، ۲۳؛ انفال/ ۵۶، ۶۰) (ترجمه لایدن، ۳۶۸/۲).

کرونه پس از نقل این عبارات، به فقراتی از آیات اشاره می‌کند که خداوند در آن‌ها دستور، به دست کشیدن از کارزار به هنگام توقف مخالفان از جنگ را صادر کرده است؛ وی آیات بقره/ ۱۹۳؛ نساء/ ۹۰؛ انفال/ ۳۹ و توبه/ ۳، ۵، ۱۱ را در این زمینه به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند و پس از تمجید و تحسین ضمنی که - تاکنون - از رویکرد قرآن داشته است، به ناگاه دیدگاه خود را تغییر داده و در نهایت، لحن این قبیل آیات را به شدت جنگ‌طلبانه و ستیزه‌جویانه معرفی می‌کند.

وی بیان می‌کند که قرآن با اینکه بر حق دفاع مؤمنان در مقابل مخالفان اصرار دارد اما اصل بخشایش را هم از جانب مؤمنان بازگو کرده است (ترجمه لایدن، ۳۶۸/۲). ایشان، در انتهای این بخش از کلام خود، هدف از آیه جزیه را مشابه آیه سیف و در ادامه مفاهیم آیات ابتدایی سوره توبه معرفی می‌کند و به عنوان نتیجه‌گیری از کلام خود، آیه جزیه (توبه/ ۲۹) را به عنوان مصداقی بر تأیید و تأکید قرآن در توصیه مسلمانان به جنگ تهاجمی علیه پیمان شکنان و مخالفان اعلام کرده و بدون ذکر و ارائه دلایل مستدل و یا توضیحات تکمیلی در این زمینه، از کنار آن می‌گذرد (همان).

### ۳. نقد آراء کرونه

طرح اقوال مطرح شده از جانب کرونه به جهت عدم آشنایی و توجه نامبرده به شأن نزولها و نیز مفهوم‌شناسی آیات جهاد در قرآن است، برخی آیات جهاد در قرآن مطلق و برخی مقیدند و اگرچه امکان دارد که در ابتدای امر، تنافی ظاهری در بین آیات جهاد خودنمایی کند اما از لحاظ بررسی فنی و علمی توسط مفسران، این تنافی ظاهری رفع شده و اهداف نزول آیات در مراحل و موقعیت‌های مختلف از نگاه قرآن مشخص می‌شود. از این‌رو توجه به چند نکته مهم در خصوص آیات مرتبط با جنگ و جهاد در قرآن حائز اهمیت است.

#### الف) فهم نادرست آیات جهاد

با دقت در آیات مرتبط و محتوای کلام مفسران مشخص می‌شود که منظور از مشرکین در آیه ۵ سوره توبه، آن تعداد از کفار و مخالفانی هستند که علاوه بر کفر، به دنبال دشمنی با مسلمانان بوده‌اند و فقط کفر آنان سبب‌ساز مخالفت و موضع‌گیری مسلمانان با آنان نبوده است؛ این مطلب، از آیات قبل از آیه مورد بحث استنباط می‌شود که خداوند در آنها خصوصیات کافرانی را بیان کرده است که به جهت عدم پایبندی به عهد و پیمان خود با پیامبر اکرم (ص) علیه اسلام و مسلمین اقداماتی را انجام داده‌اند (نک: قرضاوی، ۱۳۹۶ش، ۱/ ۳۸۱؛ واحدی، ۱۴۳۰ق، ۱۱/ ۹۶؛ صالحی، ۱۳۹۳ش، ۳/ ۴).

باید یادآور شد آیتی که پس از آیه ۵ سوره توبه وجود دارد، به پایبندی به عهد و پیمانی که با کفار از سوی مسلمانان بسته شده اشاره می‌کند، به عبارت دیگر از نظرگاه قرآن، هریک از مخالفان و مشرکان که پیمانی با مسلمانان دارد تا زمانی که به عهد خود وفادار بماند و به پیمان‌های خود با مسلمانان پایبند بوده باشند در پناه اسلام در امان خواهد بود تا کلام خدا را بشنود و خود تصمیم بگیرد.

آیات فراوان دیگری هم به صراحت و با تأکید فراوان از جنگ و رویاروشدن با معاندان و مخالفانی که با مسلمانان نمی‌جنگند و یا تمایلی به درگیری با مسلمانان ندارند منع می‌کند؛ و به آنان توصیه می‌کند تا در صورت عدم تعدی مخالفان، به دنبال ایجاد شرایط صلح و رعایت حقوق متقابل با آنان در جامعه اسلامی باشند (برای تنها چند نمونه، نک: توبه/ ۶؛ نساء/ ۹۰؛ انفال/ ۶۱؛ ممتحنه/ ۸).

طبرانی یادآوری می‌کند که قتال و درگیری قبل از دعوت به اسلام و نیز جنگ با آن‌هایی که

با مسلمانان سرچنگ ندارند جایز نیست (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۱/ ۲۹)؛ ضمن آن که به تعبیر بسیاری از مفسران، این دسته از آیات، از محکمت بوده و نسخ در آن‌ها راه نداشته است و نیز آن که به تأکید عموم مفسران، قول حق درباره این فقره از آیات جهاد آن است که قتال با کفار جایز است که به قتال با مسلمانان روی آورند و در غیر این صورت مستحق صلح بوده و جنگ با آنان روا نیست. (نک: قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۵/ ۳۰۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۵/ ۲۸۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۴ق، ۲/ ۳۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۵۴۷). گفتنی است توجه به شأن نزول‌های متعدد درباره آیات جهاد در قرآن موضوعی قابل توجه است نکته‌ای که بسیاری از خاورشناسان به مانند کرونه که در دام تفکرات و پیش‌فرض‌های ذهنی گرفتار شده‌اند از توجه به آن غافل بوده‌اند، به عنوان نمونه برخی از این آیات بیانگر آن است که رسول خدا (ص) زمانی که وارد مدینه شد مخالفان آن حضرت و بسیاری از اهل کتاب مخصوصاً یهودیان به آزار آن حضرت و اصحاب ایشان پرداخته و از هیچ نوع توهینی دریغ نکردند و البته توهین‌ها و بدرفتاری‌های آنان با انگیزه رویگردانی مردم از اسلام صورت می‌گرفته است و یا به دنبال تضعیف مؤمنان در صدد شماتت آنان بر می‌آمدند.

### ب) دلالت آیه جزیه

چنانچه اشاره شد کرونه با تلقی و تصور کردن تشابه مفهومی بین آیات سیف و جزیه چنین عنوان می‌کند که از نظر قرآن کریم، یقیناً نابودی مخالفان حتمی خواهد بود و معتقد است آیه جزیه دلالت بر ادامه جنگ دارد تا زمانی که اهل کتاب کافر و غیر مسلمان به دست خود جزیه دهند (ترجمه لایدن، ۲/ ۳۷۰). ایشان، در انتهای گفتار خود آیات ۴۳ قمر و ۲۵ فتح را نیز به عنوان شاهد مثال قرآنی در تأیید کلام خود مبنی بر سخت‌گیری و شدت مؤمنان در جنگ با اهل کتاب کافر به کار می‌برد و بدون مراجعه به نظریات مفسران در خصوص آیه، تنها به ارائه دیدگاه خود بسنده می‌کند؛ حال آن که در بررسی چنین دیدگاهی از آیه جزیه چند مسأله قابل توجه است.

نخست این که بررسی آیات مربوط به قانون جهاد به خوبی می‌رساند که اسلام در هیچ موردی حتی در مورد گروه‌های مشترک و ضد مذهبی به طور ابتدایی مبادرت به شروع جنگ نکرده است و از سویی دیگر هرگاه طبق مقررات قانون جهاد، در مواردی که پیکار با اهل کتاب مجاز باشد، قول پیشنهاد قرارداد ذمه از طرف آنان باید به عنوان پایان و ختم دیگری به حساب آید؛ از این رو کسانی که قسمت اول آیه را به عنوان آغاز جنگ با اهل کتاب تصور نموده‌اند

مرتکب اشتباه بزرگ شده‌اند (نک: طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ۲۳۸-۲۴۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۱۳/۲۲-۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۵/۴۳۰-۴۳۱؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ۱۰/۱۱، ۲۳، ۲۴۷).  
دوم این که گرفتن جزیه از اهل کتاب برای این نبوده که مسلمین و حاکمان آن‌ها از ثروت اهل کتاب برخوردار شوند، بلکه غرض دین در این قانون این بوده که حق و شیوه عدالت را غالب و باطل را زیر دست قرار دهد، تا در نتیجه نتوانند بر سر راه حق عرض اندام کند یعنی اگر بر اساس آیه فردی یا اجتماعی نخواستند زیر بار تربیت اسلامی بروند مجبور نباشند و در آن‌چه می‌خواهند و می‌پسندند آزاد باشند؛ اما به شرط آن که در ابتدا توحید را دارا باشند و به یکی از سه کیش یهودیت و نصرانیت اهل کتاب معتقد باشند و از طرفی دیگر، مزاحمتی با قوانین و حکومت اسلام نداشته باشند و این نهایت درجه عدل و انصاف است که قرآن درباره سایر ادیان مراعات کرده و گرفتن جزیه برای حفظ پیمان و اداره بهتر خود اهل کتاب است و هیچ حکومتی چه حق و چه باطل از گرفتن جزیه گریزی ندارد و نمی‌تواند جزیه نگیرد (نک: همان).

### پ) اندک بودن جزیه

افزون بر این‌ها، برخلاف آنچه نویسنده مقاله مبنی بر آن که آیه جزیه دلالت بر ادامه جنگ دارد استنباط کرده است، قرآن، جهاد را برای تحمیل عقیده نمی‌خواهد تا آنکه تصور شود مفهوم آیات جهاد در قرآن بر ادامه جنگ با مخالفان بوده است بلکه بر اساس قوانین صدر اسلام، اهل کتابی که در سایه دولت اسلامی به سر می‌بردند وظیفه‌ای به عنوان پرداخت مالیات‌های اسلامی نداشته‌اند ضمن آن که وظیفه شرکت در جنگ‌ها هم از دوش آنان برداشته شده بود، و تنها موظف بودند به جای پرداخت زکات و خراجی که مسلمانان پرداخت می‌کردند تنها به پرداخت جزیه بپردازند (نک: واقدی، ۱۳۶۶ق، ۴/۷۳۵-۷۳۶-۷۵۴؛ مسعودی، ۱۳۵۷ق، ۲۲۴-۲۲۵).

مرتضی مطهری در این باره معتقد است که پرداخت جزیه به نفع اهل کتابی بوده است که در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند و یک مالیات سرانه‌ای بوده است که همان پاداش تلقی می‌شده است و مفهوم و معنای باج دهی نداشته است، به این معنا که اسلام در مقابل اهل کتاب تعهدی قائل می‌شدند و در مقابل این تعهد، جزیه می‌گرفتند. وی بر این نکته اشاره می‌کند که به طور کلی مورخین اروپایی و مسیحی از قبیل «گوستاو لوبون و جرجی زیدان» در خصوص این موضوعات، بحث‌های بسیاری کرده‌اند، به عنوان مثال، از ویل دورانت نام می‌برد که در جلد یازدهم تاریخ تمدنش راجع به مسئله جزیه اسلامی بحث کرده و بر این باور بوده که این جزیه

اسلامی مقدارش آنقدر کم بوده که حتی از میزان مالیات‌هایی که از خود مسلمانان می‌گرفتند نیز کمتر دریافت می‌گردید. بنابراین هیچ جنبه‌ای از اجحاف و ظلم نسبت به غیر مسلمانان در زمینه پرداخت جزیه در میان نبوده است (نک: مطهری، ۱۳۹۰ش، ۲۰/۲۶۳).

قدر مسلم آن است که به لحاظ مفهوم قانونی، جزیه به عنوان پاداشی قانونی از طرف جماعت اهل کتاب به مسلمانان، در مقابل خدماتی بوده که در جامعه برای آن‌ها انجام می‌شده است. به علاوه آن که رفتار پیامبر اکرم (ص) با اهل کتاب نخست از رفتار مداراآمیز آغاز شده بود و با دعوت به اسلام و خیرخواهی برای آنان ادامه یافته است ولی با ملاحظه رفتارهای خصمانه و معاندانه آنان علیه مسلمانان، آهنگ برخورد با آنان متفاوت می‌شد و گاهی به دریافت جزیه منتهی می‌گردید. نویسنده با وجود آن که یک مورخ در حوزه تاریخ اسلام محسوب می‌شود و به مطالعه مستمر درباره مفاهیم آموزه‌های قرآن پرداخته است اما از موضوع بررسی سیر نزول آیات مربوط به جنگ و جهاد و گزاره‌های مرتبط با آن در قرآن غفلت ورزیده است.

#### ۴. میزان هم‌آوایی مدخل با منابع

اکنون می‌خواهیم با مروری بر منابع مختلف اسلامی و غربی دریابیم خاستگاه بینش وی کجا ست و رویکرد وی با چه خوانش‌های دیگری از قرآن هم‌آوایی دارد.

##### الف) منابع اسلامی

هم‌آوایی در مدخل جنگ با منابع روایی و تفسیری اهل سنت چندان مشهود نیست، نویسنده بیشترین تمرکز و رویکرد انتقادی و تحقیقی خود را با توجه و بر اساس آیات مرتبط با جهاد و جنگ در قرآن و اتکا به مفاهیم ظاهری آیات استوار کرده است؛ تا جایی که گستردگی ارجاع به آیات الهی در مدخل به چشم می‌خورد؛ اگرچه این وجه از نکات مثبت و قابل تحسین در مدخل وی است؛ اما به هر حال، وی را از دام افتادن در ورطه شبهات به دلیل عدم ارجاع به منابع تفسیری مصون نمانده است. هر چند نویسنده در آخر مقاله خود یادآور شده است که از منابع تفسیری بهره برده است ولی به نام کتاب مشخصی اشاره نکرده است.

وی در انتها عنوان کرده است که مفسران، آیات قرآن در زمینه جنگ را وضع قوانین درباره تکلیف اسلامی جهاد تلقی می‌کنند و معمولاً هر آیه را واحد مستقلی می‌دانند که زمینه آن را باید در حدیث جستجو کرد نه در خود قرآن (ترجمه لایدن، ۲/۳۷۰). این در حالیست که قواعد



سیاسی و حکومتی اسلام بر اساس آیات قرآن از جانب فرقه‌های اسلامی پایه گذاری می‌شود اما ادعای نویسنده، مبنی بر ارجاع آیات مربوطه با احادیث، حاکی از عدم مراجعه وی به نظریات تفسیری مفسران فرقه‌های اسلامی دارد. بهره‌مند نبودن و مراجعه نداشتن نویسنده با منابع تفسیری و روایی شیعی نیز مشهود است؛ جز آن که در میان منابعی که وی در انتهای مدخل خود به آن‌ها اشاره می‌کند نام کتاب **جهاد** مرتضی مطهری با عنوان **جهاد در قرآن** به چشم می‌خورد؛ هرچند که رویکرد محتوای این کتاب شیعی در میان مباحث مدخل مشاهده نمی‌شود.

درک‌های غیرمسلمانانه مندرج در مدخل جنگ، مستند به متون تفسیری نشده و هیچ‌گونه هم‌آوایی را نمی‌توان از آن انتظار داشت. آنچه در متون اسلامی مشاهده می‌شود خودداری پیامبراکرم (ص) از نفرین قوم خود با بلایای طبیعی بوده است، و برخلاف آنچه پاتریشیا کرونه مدعی شده است لازمه این امر آن نیست که با ابزار نظامی نابود شوند بلکه امیدواری پیامبراکرم (ص) بر نجات قوم خویش بوده است نه نابودی آنان. هم‌آوایی در هیچ یک از این جنبه‌ها با منابع مختلف فرقه‌های اسلامی را نمی‌توان از آن برداشت کرد (نک: ترجمه لایدن، ۲/ ۳۶۷-۳۷۰).

### ب) آراء مستشرقان دیگر

در مداخل متعدد *دائرةالمعارف قرآن لایدن* آن بخش از مقالاتی که در حوزه آیات مرتبط با جنگ و جهاد قلم زده‌اند و یا درباره روابط حکومتی و سیاسی پیامبراکرم (ص) به نگارش مقالاتی روی آورده‌اند وجوه مشترک و هم‌آوایی‌های فراوانی در میان آنان مشاهده می‌شود و مدخل جنگ نیز از این قاعده مستثنی نیست. این نکته را نیز باید افزود که نویسنده، لیستی از کتب و مقالات متعدد که از محتوای آن‌ها در مقاله خود بهره برده است را در انتهای مدخل متذکر شده است.

یکی از این مداخل، مدخل «خشونت» نوشته محمد آرکون در *دائرةالمعارف لایدن* است. هم‌آوایی مشترک در اشاره به الفاظ و عبارات مربوط به واژگان جهاد و جنگ که هر دو نویسنده در مقاله خود به آن پرداخته‌اند. در هر دو مدخل، معادل‌های قرآنی و تکرارهای آن، همراه با محتواهای قرآنی آیات آورده شده است؛ با این تفاوت که آرکون برخلاف کرونه نتوانسته است به خوبی واژگان وابسته به جنگ و جهاد را توصیف نماید. موضوع دیگر، هم‌آوایی در هر دو مدخل در عدم توجه به مرزهای خشونت و ستیزه‌جویی در خصوص آیات جهاد بوده است؛ تا جایی که حتی واژگان «جهد» در کنار «قتل» و «ظلم» قرار می‌گیرند.

مدخل دیگر، «جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها» نوشته رضوی فیزر است. هم‌آوایی مشترک در استناد

به محتوای طرح خشونت و خصمانه بودن جنگ‌های صدر اسلام علیه مخالفان؛ هرچند رضوی فیزر بر خلاف کرونه در توصیف کلی که از جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبر اکرم (ص) داشته است جانب انصاف را بیشتر رعایت کرده است. اما در هر حال در هر دو مدخل نتیجه‌گیری نویسندگان آن، چنین است که غزوات و سفرهای نظامی پیامبر (ص) و مسلمانان که به مقاصد نظامی صورت می‌گرفته است به منظور پیروزی حتمی و قاطع علیه مخالفان و معاندان از اهل کتاب بوده است (نک: همان).

در سخن از میزان هم‌آوایی با مدخل «جهاد» نوشته‌ی الا لاندائو تاسرون هم باید گفت هم‌آوایی در استناد بین مفاهیم جنگ و جهاد - به مانند دو مدخل پیشین - نیز در مدخل جنگ مشهود است. نکته دیگر آن‌که کرونه به مانند تاسرون بر این موضوع اشتراک نظر دارد که احکام قرآنی و نگرش‌های آن درباره‌ی جنگ، اغلب مبهم و متعارض‌اند به گونه‌ای که آموزه‌ای منسجم و متحد در قرآن وجود ندارد، از این‌رو هم‌سویی هر دو نویسنده در طرح این شبهه‌ی کلی روشن و پدیدار است.

### پ) نقد کلی مقالات هم‌آوا با رویکرد کرونه

برداشت خصمانه بودن انگیزه‌های مربوط به جنگ‌های صدر اسلام، وجه مشترک هم‌آوا در مدخل جنگ با سایر مداخل بوده است ضمن آن‌که کرونه نیز در بخشی از ادعای خود یادآور شده بود که هدف از جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) و یا آیات مرتبط به جنگ در قرآن به جهت اعتلای عقاید و برتری دین اسلام بوده است، حال آن‌که تعبیر از جنگ و لشکرکشی‌های مناسب با سیره قرآنی پیامبر (ص) و اهداف متعالی ایشان نبوده است و در آیات قرآن حتی انگیزه‌ی نبرد، گرفتن غنیمت و اموال غارت شده نیست بلکه به علت جدایی از خدا و رسول خدا (ص) است که باید با آن‌ها شدت عمل نشان داده شود (نک: انفال/ ۱۳).

جنگ در راه عقاید، تعبیر مناسب و منصفانه‌ای نیست که مستشرقان در این مقالات اللقاء کرده‌اند؛ زیرا خداوند کسی را برای جنگ در این راه تشویق نمی‌کند بلکه آن چه در راه اسلام است جنگ در راه خدا، ارزش‌های الهی و نجات مستضعفین است و در متون اسلامی فریقین نیز این موضوعات، به شایستگی انعکاس یافته است؛ دیگر آن‌که پیامبر اکرم (ص) برای حفظ قوانین الهی جهاد نمودند نه به جهت آن‌که عقیده و دینی منتسب به شخص ایشان باشد (نک: طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۳/ ۱۱۶؛ احمدی، ۱۳۶۳ش، ۱۷۵-۱۷۶).

ادعای تعارض و ابهام در آیات مرتبط با جنگ از سوی گروه هم اشکال جدیدی نیست؛ بلکه در مداخل دیگر لایدن و نیز سایر مستشرقان این موضوع چالش برانگیز بارها به صورت مستقیم و تلویحی تقریر و القاء شده است - اگرچه دیدگاه‌های منصفانه برخی از خاورشناسان را نیز نباید در این خصوص از نظر دور داشت - اما موضوع قابل توجهی که عموم خاورشناسان و خاصه گروه در مدخل جنگ از توجه به آن غافل مانده‌اند شرایط نزول آیات جهاد در زمان‌ها و دوره‌های خاص و عصر نزول آیات بوده است و به عبارتی اصل نزول تدریجی آیات جنگ و جهاد و تناسب آن با وقایع عصر نزول در طرح نظریات مستشرقان - بنا به دلایل متعدد - نادیده انوشته شده است؛ به عنوان مثال، آیات مربوط به صلح در شرایطی نازل شده که صلح، ابزار مفیدی برای رسیدن به هدف بود در حالی که نزول آیات ناظر به جنگ (مانند آیات سوره توبه) مربوط به سال‌های آخر مدینه بوده است؛ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (در تفسیر این آیه نک: طباطبایی، ۱۳۷۸ ش، ۱۲/۱۹۴؛ طبرسی ۱۳۶۰ ش، ۶/۵۳۳ و فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۱۹/۱۶۵).

بنابراین وجود شبهه تناقض و ابهام در آیات مرتبط با جهاد که از جانب گروه در موارد متعددی تلویحی و یا به صراحت تقریر شده است، از اساس مردود است و اگر نویسنده و برخی دیگر از مستشرقان مراجعه پژوهش محورانه‌ای به متون تفسیری فرقه‌های اسلامی می‌داشتند درمی‌یافتند که نزول آیات جهاد و جنگ در مواضع و موقعیت‌های خاصی بوده است و باید بر اساس توجه به شأن نزول هر یک از آیات و در نهایت توجه به محتوای کلی همه آن آیات آن‌ها را مورد بررسی و پژوهش قرار داد تا این چنین در ورطه استنباط ناصواب و ادراکات نادرست از آیات مرتبط با جنگ در قرآن، گرفتار نگردید.

## نتیجه

هرچند گروه در برداشت تحلیلی خود در مدخل جنگ، به آیات متعدد مراجعه کرده است لکن پیش‌انگاره‌های ذهنی و اعتقادی وی مانع از وصول ایشان به اتخاذ نتیجه مطلوب درباره درک صحیح از آموزه‌های مرتبط با آیات جنگ و جهاد در قرآن شده است. در این مورد، عدم مراجعه به کتب لغت و متون اسلامی موجب شده است تا بررسی واژگان جنگ در قرآن از سوی نویسنده با اشکال و ابهام معرفی شود؛ ضمن آن که از نقطه نظر رویکردهای قرآنی و اسناد تاریخی، فرمان به جنگ و جهاد در راستای رویارویی مقدس و تعریف شده مسلمانان در صدر اسلام در دفاع از

هستی خود و با اهداف روشن و منطقی صورت گرفته است.

با توجه به جایگاه شأن نزول درباره آیات سیف و جزیه، دلالت بر ادامه جنگ و تداوم آن از این آیات استنباط نمی‌شود بلکه بر اساس احکام اسلام و در سایه رفتار صلح آمیز و دلسوزانه پیامبر اکرم (ص) با اهل کتاب، قانون جزیه در مقابل تأمین امنیت و آسایش آنان از جانب مسلمانان و در نهایت تأمین صلح جامعه اسلامی مد نظر قرار گرفته است.

توجه نداشتن پاتریشیا کرونه به شأن نزول آیات جهاد و اصولی که در تفسیر آیات قرآن استوار است موجب شده است تا ایشان بدون در نظر گرفتن شاخصه‌هایی مانند قرائن، وحدت موضوع و ارتباط محتوایی و زمانی بین آیات جهاد و جنگ در قرآن، شبهه تعارض و ابهام را در بین این دسته از آیات، متصور شده و آن را به مخاطب خود التقاء کند حال آن که با مراجعه به این قرائن و نکات تفسیری درمی‌یافت که چنین ادعایی مردود و باطل است. نویسنده ضمن مراجعه قابل قبول به آیات قرآن، هم‌آوایی و هم‌سوایی قابل ملاحظه‌ای با منابع و متون تفسیری و روایی اهل سنت نداشته است، و عدم هم‌آوایی وی با منابع شیعی در مدخل جنگ نیز قابل تأمل و غیر منصفانه بوده است.

کرونه با مداخلی چون «خسونت»، «جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها» و «جهاد» و برخی مقالات دیگر در *دائرة المعارف قرآن* لایدن هم‌آوایی داشته و با توجه به ذکر منابعی که خود، در انتهای مدخل متذکر شده است، تا حد قابل توجهی، متأثر و هم‌سو با دیدگاه‌های افرادی چون «آرکون، رضوی فیزر و تاسرون و...» بوده است و به طرح و تقریر شبهات مشابهی که از جانب آنان نیز در نوشته‌ها و نظراتشان مطرح شده، در مقاله خود پرداخته است.

## منابع

- علاوه بر قرآن کریم؛
- ۱- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
  - ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ
  - ۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالفکر.
  - ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارالعلم للطباعة.
  - ۵- احمدی میانجی، علی (۱۳۶۳ش)، *مکاتیب الرسول*، قم، انتشارات یس.
  - ۶- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
  - ۷- جین دمن مک اولیف (۱۳۹۳ش)، *دائرةالمعارف قرآن*، ترجمه حسین خندق آبادی و همکاران، تهران، حکمت.
  - ۸- حبیب تفلبسی (۱۳۹۶ق)، *وجوه قرآن*، به کوشش مهدی محقق، تهران، حکمت.
  - ۹- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۷ش)، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، دوستان/ناهید.
  - ۱۰- خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم، هجرت.
  - ۱۱- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
  - ۱۲- رضا، محمد رشید (۱۹۹۰م)، *المنار*، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب.
  - ۱۳- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
  - ۱۴- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه مرعشی.
  - ۱۵- صاحب جواهر، محمد حسن (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
  - ۱۶- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، *الفرقان*، قم، دفتر فرهنگ اسلامی.
  - ۱۷- صالحی، عباس (۱۳۹۳ش)، *پژوهش های قرآنی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  - ۱۸- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸ش)، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین.
  - ۱۹- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر*، عمان، دارالکتب الثقافی.
  - ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)، *مجمع البیان*، تهران، انتشارات فراهانی؛ همان (۱۳۷۲ش)، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
  - ۲۱- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.

- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۳- عبدالباقی، محمد فواد (۱۳۶۴ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره، دارالکتب المصریه.
- ۲۴- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- ۲۶- فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴ش)، *پژوهشی در نظم القرآن*، تهران.
- ۲۷- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۶ش) *فقه الجهاد*، ترجمه ابراهیم ساعدی، تهران، نشر احسان.
- ۲۸- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۹- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، *کنزالدقائق*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۳۰- کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۹ق)، *بدایع الصنایع*، پاکستان، بی نا.
- ۳۱- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۵۷ق)، *التنبیه والاشراف*، به کوشش عبد الله بن اسماعیل، قاهره، بی نا.
- ۳۲- مصطفوی، حسن (۱۳۴۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۳- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ش)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- ۳۴- مقداد سیوری (۱۳۹۱ش)، *کنز العرفان*، تهران، مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی.
- ۳۵- مک اولیف، جین دمن (۱۳۹۲ش)، *دائرة المعارف قرآن*، ترجمه حسین خندق آبادی و دیگران، تهران، حکمت.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، «تفسیر نمونه»، تهران، اسلامیة.
- ۳۷- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۶ق)، *المغازی*، ترجمه مهدی دامغانی، تهران، نشر دانشگاهی.
- ۳۸- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۳۰ق)، *التفسیر البسیط*، مدینه، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.